

تجزیه و تحلیل عملکرد بانکداری بدون ربا

حجت الاسلام سیدعباس موسویان*

چکیده:

گذشت بیش از هیجده سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا فرصت خوبی است تا میزان موفقیت نظامی بانکی را در تحقق اهداف بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار دهیم. برای این منظور از ابعاد مختلفی می توان عملکرد نظام بانکی را مورد مطالعه قرار داد که فرصت همه آنها در یک مقاله نیست. بر این اساس توجه اصلی نوشتار به عملکرد نظام بانکی در تحقق اهداف زیر خواهد بود.

میزان موفقیت نظام بانکی در رهایی از حقیقت بهره (ربا)

میزان موفقیت نظام بانکی در کسب سود مناسب برای سپرده گذاران

میزان موفقیت نظام بانکی در جذب سپرده های بانکی

میزان موفقیت نظام بانکی در تشخیص بهینه منابع

در این نوشتار علاوه بر اینکه عملکرد نظام بانکی نسبت به حد مطلوب و انتظاری اهداف فوق بررسی شده در خصوص اهداف دوم تا چهارم مقایسه ای بین عملکرد نظام بانکی جدید با عملکرد نظام بانکی قبل از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا و نظام بانکی قبل از انقلاب شده است.

میزان موفقیت نظام بانکی در رهایی از حقیقت بهره (ربا)

برای این منظور لازم است عملکرد بانکها در بخش اعطای تسهیلات مورد توجه قرار گیرد. چرا که بانکها مطابق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، یا مالک سپرده ها هستند (در سپرده های دیداری و پس انداز) یا وکیل سپرده گذاران (سپرده های سرمایه گذاری) و هر چه که به عنوان سود از طریق اعطای تسهیلات بدست می آورند بعد از کنار گذاردن سهم خود (به عنوان مالک یا حق الوکاله) مابقی را به صاحبان سپرده سرمایه گذاری می پردازند. پس اگر سود دریافتی بانکها از طریق اعطای تسهیلات، مشروع و خالی از ربا باشد سهم بانک و سپرده گذاران نیز مشروع و خالی از ربا خواهد بود و اگر آن سودها ربوی باشد همانطور که سهم بانک ربوی می شود سود اعطایی به سپرده گذاران نیز ربوی خواهد بود و در حقیقت بانک به جای وکالت در دادن و گرفتن سود، وکیل در دادن و گرفتن ربا می شود.

بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، از میان عقود دوازده گانه اعطای تسهیلات به جهت اینکه بانکها موضوع عقود مزارعه و مساقات (زمین زراعی و باغ) را نداشتند اصلاً مورد عمل واقع نشدند. عقد خرید دین نیز به جهت وجود مشکلات فقهی از سال ۱۳۶۷ متوقف گردید. بنابراین بانکها علاوه بر سرمایه گذاری مستقیم از طریق هشت عقد فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، جعاله،

* سردبیر فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی

سلف، اجاره بشرط تملیک و قرض الحسنه اقدام به اعطای تسهیلات نمودند. بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا نشان می‌دهد که متأسفانه نظام بانکی نه تنها به سمت رهایی از حقیقت نظام بهره پیش نرفته بلکه با اتخاذ برخی روشها و راهکارها به سمت آن نظام کشیده شده است و این حقیقت تلخ را می‌توان در مسائل آینده به وضوح مشاهده کرد.

شواهد گرایش نظام بانکی به حقیقت بهره

قبل از بیان شواهد، تذکر این نکته لازم است که در قانون عملیات بانکداری بدون ربا، شیوه‌های بکارگیری منابع بانک به لحاظ کیفیت تعلق سود به پنج گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و مضاربه) هستند، در این عقود گرچه مطابق قانون، نسبت‌های تقسیم سود در قرارداد تعیین می‌شود و نرخ سود انتظاری بعد از کارشناسی مشخص می‌گردد، لکن نرخ سود قطعی بعد از انجام فعالیت اقتصادی و مشخص شدن سود واقعی بدست می‌آید.

گروه دوم عقود با بازدهی ثابت (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) است که سود آنها حین معامله بصورت قطعی معین می‌گردد.

گروه سوم عقود با بازدهی متغیر (سلف و جعاله) است که در آنها سود قطعی بانک بعد از پایان دوره مالی و بر اساس قیمت‌های پایان دوره و قیمت‌های تمام شده تعیین می‌شود.

گروه چهارم عقد قرض الحسنه است که ماهیت خیرخواهانه داشته و بانک تنها در قبال کاری که انجام می‌دهد کارمزد می‌گیرد و سودی بابت خود پول قرض داده شده دریافت نمی‌کند.

گروه پنجم سرمایه‌گذاری مستقیم می‌باشد در این روش بانک بخشی از منابع را مستقیماً سرمایه‌گذاری کرده و اقدام به فعالیت اقتصادی می‌کند. سود بانک در این روش همانند عقود مشارکتی به سود واقعی فعالیت، بستگی دارد.

آشنایان با مسائل نظری بانکداری اسلامی می‌دانند این روشها گرچه همگی از جهت فقهی مورد قبول بوده و جایزند لکن از میان آنها تنها عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض الحسنه است که با اهداف بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی تناسب کامل داشته، منطبق با حکمت تحریم ربا و بدور از حقیقت ربا و بهره در بازار سرمایه است.^۱ در نتیجه هر چه سهم این گروهها بیشتر باشد به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیکتر می‌شویم و بر عکس هر چه سهم آنها کمتر شود به حقیقت ربا و بهره نزدیکتر می‌شویم.

^۱ - برای مطالعه بیشتر پیرامون ماهیت عقود بانکی مراجعه شود به کتاب "پس انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی" سید عباس موسویان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴ به بعد.

۱. رشد کمی عقود با بازدهی ثابت

مطالعه عملکرد نظام بانکی که در جداول و نمودار صفحه های بعد منعکس شده نشان می دهد با گذشت زمان جهت گیری فعالیت های بانک ها عمدتاً^۱ به سمت به کارگیری عقود با بازدهی ثابت است. در حالی که در صد مانده تسهیلات اعطایی به روش عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه) مرتب کاهش پیدا کرده و از ۳۷/۱ درصد کل تسهیلات در سال ۱۳۶۳ به ۱۹/۳ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده، سهم عقود با بازدهی ثابت (فروش اقساطی و اجاره بشرط تملیک) رشد مداوم داشته از ۳۵/۸ در سال ۱۳۶۳ به رقمی در حدود ۶۰/۳ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده است^۱ و از این میان فروش اقساطی که در حقیقت ضعیف ترین نوع عقود بانکی است از همه بیشتر رشد کرده است بطوری که از سال ۱۳۷۶ به بعد به تنهایی بیش از نصف مانده تسهیلات اعطایی را شامل می شود.

^۱ -شایان ذکر است از سال ۱۳۷۷ بخشی از فروش اقساطی تحت عنوان "مسکن" در آمارهای بانکی منعکس شده است که به نظر صحیح نیست چرا که "مسکن" موضوع قرارداد است و قرارداد آن در کنار عقود بانکی صحیح نیست.

جدول شماره ۱: ترکیب مانده تسهیلات اعطایی جدید بانکها به بخش غیردولتی* در پایان سال

درصد

نوع تسهیلات	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
فروش اقساطی	۳۴/۰	۳۲/۶	۳۵/۷	۴۲/۷	۴۷/۱	۴۶/۸	۴۹/۰	۴۷/۰	۴۶/۵	۴۵/۰	۴۵/۸	۴۵/۰	۴۳/۴	۵۶/۰	۵۷/۵	۵۹/۷
مشارکت مدنی	۱۵/۰	۱۳/۲	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۱/۷	۱۲/۸	۱۴/۵	۱۷/۸	۱۷/۶	۱۷/۴	۱۸/۱	۱۹/۴	۱۹/۶	۱۱/۶	۹/۷	۱۰/۳
مضاربه	۱۸/۵	۹۶/۱۵	۱۵/۵	۱۲/۶	۱۱/۰	۱۰/۷	۱۰/۲	۹/۷	۸/۵	۷/۵	۷/۳	۶/۸	۶/۷	۶/۴	۶	۶/۳
جعاله	۰/۳	۱/۴	۱/۴	۱/۸	۲/۸	۵/۱	۶/۶	۷/۰	۶/۰	۶/۰	۶/۶	۷/۰	۶/۶	۱/۶	۱/۴	۱/۷
معاملات سلف	۳/۷	۳/۲	۳/۹	۳/۹	۴/۹	۶/۷	۵/۳	۵/۰	۶/۷	۶/۹	۶/۲	۵/۵	۵/۰	۵/۲	۶/۲	۶/۷
مشارکت حقوقی	۳/۶	۷/۳	۶/۶	۷/۱	۷/۱	۵/۸	۴/۶	۴/۸	۵/۲	۴/۸	۳/۶	۳/۷	۳/۸	۴/۷	۳/۱	۲/۷
قرض الحسنه	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۱/۶	۱۰/۶	۹/۷	۷/۵	۵/۷	۴/۲	۳/۶	۴/۶	۴/۴	۴/۷	۴/۵	۴/۶	۵/۹	۴/۶
اجاره به شرط تملیک	۱/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۵	۰/۴	۰/۷	۰/۵	۰/۷	۰/۸	۰/۸	۱/۰	۰/۸	۰/۷	۰/۶
سرمایه گذاری مستقیم	۰/۶	۳/۶	۲/۷	۱/۷	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۹	۲/۶	۲/۴	۱/۷	۲/۸	۲/۵	۱/۸	۱/۵
خرید دین	۱۱/۷	۱۰/۱	۶/۴	۳/۱	۰/۱	۰/۶	۰/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
سایر**	۰/۲	۱/۲	۱/۷	۱/۸	۲/۶	۲/۲	۲/۱	۲/۴	۳/۵	۴/۳	۴/۷	۶/۲	۶/۵	۶/۴	۷/۴	۷/۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

* شامل انواع موضوع معاملات بجز اموال اجاره به شرط تملیک می باشد.

** شامل مطالبات معوق و سر رسید گذشته می باشد.

ماخذ: ویژه نامه یازدهمین سمینار بانکداری اسلامی موسسه عالی بانکداری ایران- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ص ۳۰۴.

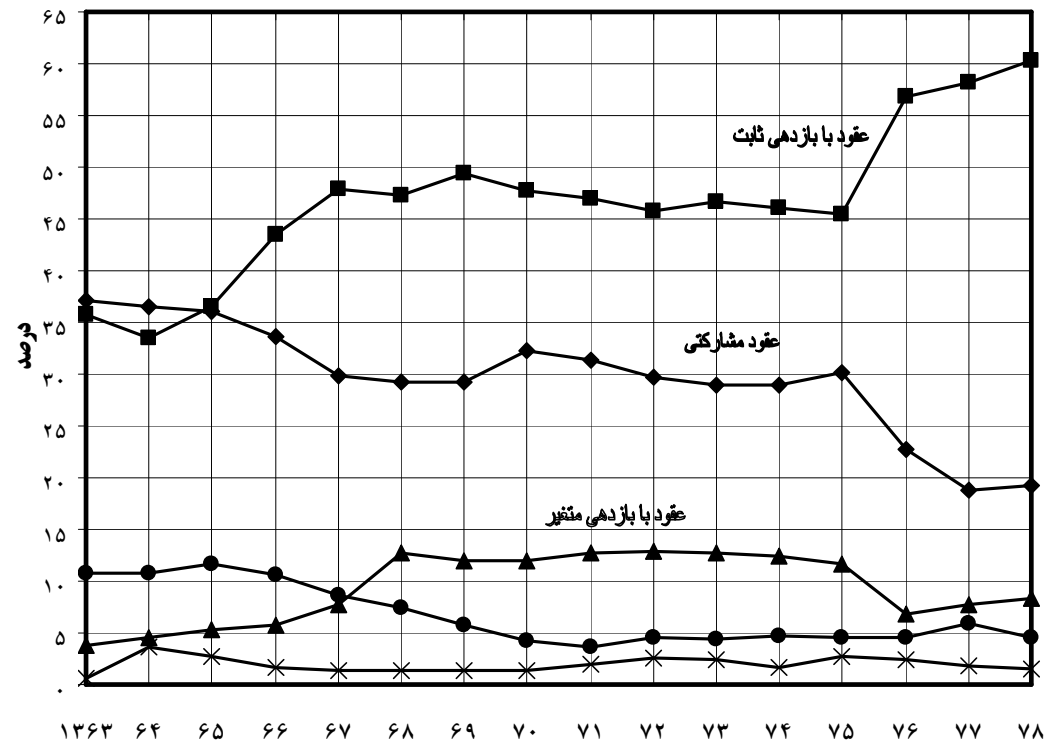
جدول شماره ۲: سهم هر یک از گروههای چهار گانه تسهیلات اعطایی بانکها به بخش غیر دولتی

درصد

گروه تسهیلات	نوع تسهیلات	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
۱- عقود مشارکتی	مشارکت مدنی	۱۵	۱۳/۲	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۱/۷	۱۲/۸	۱۴/۵	۱۷/۸	۱۷/۶	۱۷/۴	۱۸/۱	۱۹/۴	۱۹/۶	۱۱/۴	۹/۷	۱۰/۳
	مشارکت حقوقی	۳/۶	۷/۳	۶/۶	۷/۱	۷/۱	۵/۸	۴/۶	۴/۸	۵/۲	۴/۸	۳/۶	۲/۷	۳/۸	۴/۷	۳/۱	۲/۷
	مضاربه	۱۸/۵	۱۵/۹۶	۱۵/۵	۱۲/۶	۱۱	۱۰/۷	۱۰/۲	۹/۷	۸/۵	۷/۵	۷/۳	۶/۸	۶/۷	۶/۴	۶	۶/۳
	جمع گروه	۳۷/۱	۳۶/۴۶	۳۶	۳۳/۶	۲۹/۸	۲۹/۳	۲۹/۳	۳۱/۳	۲۹/۷	۲۹	۲۸/۹	۳۰/۱	۲۲/۷	۱۸/۸	۱۹/۳	
۲- عقود با بازدهی ثابت	فروش اقساطی	۳۴	۳۲/۶	۳۵/۷	۴۲/۷	۴۷/۱	۴۶/۸	۴۹	۴۷	۴۶/۵	۴۵	۴۵/۸	۴۵	۴۳/۴	۵۶/۰	۵۷/۵	۵۹/۷
	اجاره بشرط تملیک	۱/۸	۰/۹	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۵	۰/۴	۰/۷	۰/۵	۰/۷	۰/۸	۱	۱/۱	۰/۸	۰/۷	۰/۶
	جمع گروه	۳۵/۸	۳۳/۵	۳۶/۵	۴۳/۵	۴۷/۳	۴۹/۴	۴۷	۴۵/۷	۴۶/۶	۴۶	۴۵/۵	۵۶/۸	۵۸/۲	۶۰/۳		

٦٧	٦٢	٥/٢	٥	٥/٥	٦٢	٦٩	٦٧	٥	٥/٣	٦٧	٤/٩	٣/٩	٣/٩	٣/٢	٣/٧	سلف	٣- عقود
١/٧	١/٤	١/٦	٦/٦	٧	٦/٦	٦	٦	٧	٦/٦	٥/١	٢/٨	١/٨	١/٤	١/٤	٠/٣	جعلاله	با بازدهی
٨/٤	٧/٨	٦/٨	١١/٦	١٢/٥	١٢/٨	١٢/٩	١٢/٧	١٢	١١/٩	١٢/٨	٧/٧	٥/٧	٥/٣	٤/٦	٤	جمع گروه	متغیر
٤/٦	٥/٩	٤/٦	٤/٥	٤/٧	٤/٤	٤/٦	٣/٦	٤/٢	٥/٧	٧/٥	٨/٧	١٠/٦	١١/٦	١٠/٨	١٠/٨	فرض الحسبه	قرض الحسبه

استخراج شده از جدول شماره ۱



بنابراین می‌توان ادعا کرد که بیش از نیمی از تسهیلات اعطایی بانکها با استفاده از عقودی است که بر فرض هم از جهت فقهی و حقوقی حرمت و ممنوعیتی نداشته باشد و در عمل نیز صددرصد مطابق قانون عملیات بانکداری رفتار شود، از جهت موازین اقتصادی و خصوصیات بازار سرمایه تفاوت ماهوی با اعطای وام و اعتبار با بهره در بانکداری سنتی ندارد.

۲. تثبیت بازدهی عقود با بازدهی متغیر

چنانچه گذشت سود بانک از طریق عقود با بازدهی متغیر (سلف و جعاله) حین معامله سود انتظاری است و سود قطعی تابع تحولات آتی بخش حقیقی اقتصاد است، لکن آئین نامه های اجرایی و عملکرد خیلی از شعب بانکها به گونه‌ای است که ماهیت آن عقود را به بیان زیر تغییر داده تبدیل به عقود با بازدهی ثابت می‌کند.

الف - عقد سلف، به مقتضای اولیه عقد سلف، بانک با پرداخت قیمت محصول مقدار معینی از کالای معلوم را در ذمه فروشنده مالک می‌شود و فروشنده متعهد می‌گردد در موعد مقرر کالای مورد نظر را تحویل دهد هنگام معامله با توجه به قیمت انتظاری زمان تحویل، قیمت سلف چنان تعیین می‌شود که بانک سود مشخصی بدست آورد لکن اصل تحقق سود و مقدار آن بستگی به قیمت واقعی کالا در زمان تحویل دارد، مسئولین شعب بانکها برای اینکه اصل سود و مقدار آن را تثبیت کنند تدابیری اتخاذ می‌کنند که دو نمونه آن در ذیل که حاصل یک تحقیق میدانی است می‌خوانیم^۱.

"اکثریت قریب به اتفاق شعب بانکها امکانات لازم جهت تحویل گرفتن کالای مورد سلف را دارا نمی‌باشند لذا در پایان مدت قرارداد از تحویل گرفتن کالا خودداری نموده و بعضاً نسبت به وکیل یا امین نمودن مشتری جهت فروش کالا اقدام می‌نمایند و بقیه که اکثریت را شامل می‌شوند نسبت به اعطای وکالت یا امین نمودن مشتری اقدام نموده و صرفاً" به دریافت اصل پول پرداختی به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک در معاملات سلف اکتفا می‌نمایند^۲.

و جالب اینکه مقامات اجرایی خود به این حقیقت معترفند بطوری که مدیر عامل یکی از بانکهای مهم می‌گوید:

"بانکها می‌توانند در عقد سلف مبادرت به انجام معامله نموده و به هنگام آماده بودن کالا با توجه به قیمت روز بازار اقدام به فروش نمایند ولی معمولاً" به فروشنده وکالت داده می‌شود که خود بعد از سررسید تحویل کالا را به فروش رساند که این امر به طور صحیح انجام نمی‌گیرد و فروشنده وجهی را که بابت بها

^۱ - این تحقیق توسط آقای فرزاد باوند انجام گرفته است. مجموعه سخنرانیها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی ص ۳۱۶ به بعد

^۲ - همان ص ۳۲۳

به بانک می دهد وجه دریافتی به اضافه حداقل سود در بخش مربوط است گو اینکه ممکن است بیشتر از آن به فروش رفته باشد^۱.

ب- جعاله، به مقتضای اولیه عقد جعاله، بانک به عنوان عامل، انجام عملی را در مقابل اجرت معین متعهد می شود و بعد از انجام آن، اجرت را بصورت اقساط از مشتری دریافت می کند، اگر چه اجرت مذکور با توجه به هزینه های کار چنان تنظیم می شود که بانک سود مشخصی را بدست آورد لکن تحقق سود و مبلغ آن بعد از اتمام کار معلوم می شود در عمل بانکها برای اینکه از طرفی درگیر فعالیتهای حقیقی (غیر پولی) نباشند و از طرف دیگر سود ثابت و معینی بدست آورند موضوع قرارداد جعاله را در عقد جعاله ثانوی به پیمانکاری می سپارند.

شایان ذکر است که در موارد زیادی بانکها همانند بانکهای سنتی پولی داده پولی همراه با مازاد می گیرند، بطوری که مدیر عامل یکی از بانکها می گوید:

"در حال حاضر غالباً بانکها تحت عنوان جعاله وجه نقدی را می پردازند سپس مبلغ اولیه را به اضافه سود مقرر در اقساط از مشتری دریافت می کنند"^۲.

بنابراین عقود با بازدهی متغیر که سهمی بین ۴ تا ۱۳ درصد از تسهیلات اعطایی بانکها را دارند در عمل ماهیتی چون عقود با بازدهی ثابت پیدا کرده اند.

۳. تغییر ماهیت عقود مشارکتی

در عقود مشارکتی (مضاربه، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی) بانک متناسب با سرمایه ای که پرداخت می کند در مالکیت فعالیت اقتصادی شریک می شود. در نتیجه پی آمد آن از اعم از سود و زیان متوجه بانک نیز خواهد بود بنابراین لازم است نه تنها در شروع کار فعالیت مذکور را جهت سوددهی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد بایستی در ادامه نیز مورد نظارت و کنترل باشد و این مستلزم تحول ساختاری در نظام بانکی است که ظاهراً "مطلوب مسئولین نیست و بر همین اساس است که می بینیم رئیس کل بانک مرکزی بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا در راستای تثبیت اصل سرمایه و در صد سود بانک استفتایی از حضرت امام خمینی (ره) به این بیان طرح می کند.

محضر مبارک حضرت امام خمینی نظر به این که برخی از بانکها در رابطه با نظارت بر اجرای عقد مضاربه منعقد با مشتریان خود به علت کثرت تعداد و نیاز به پرسنل اضافی با هزینه زیاد، با مشکل مواجه شده اند در نظر دارند در قراردادهای عقد مضاربه در ماده مربوط به فروش طرح ذیل را درج نمایند استدعا دارد نظر مبارکتان را در مورد نفوذ یا عدم نفوذ شرط مزبور از نظر شرعی مرقوم فرمایید.

^۱ -مجموعه سخنرانیها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی امیر اصلانی ص ۳۷

^۲ -همان ص ۳۵

متن شرط: عامل قبول تعهد نمود که کالای مورد معامله را کمتر از... در صد سود به فروش نرساند و چنانچه تشخیص داد که فروش کالا با درصد سود مذکور میسر نباشد مکلف است قبلاً اجازه بانک را برای فروش با سود کمتر کسب نماید. ضمناً عامل تعهد نمود در صورت تخلف از این شرط، مابه التفاوت سود مورد انتظار فوق الذکر بانک را از مال خود مجاناً جبران نماید.^۱

درفر مربوط به استفتاء حضرت امام اعلام کردند "شرط مزبور بلااشکال است".

توجه به مضمون این استفتا روشن می کند که عامل می تواند با یک کسب اجازه آن را بی اثر سازد یعنی هر وقت احساس کرد نمی تواند سود مورد نظر را بدست آورد بانک را مطلع ساخته کالا را زیر ان قیمت بفروشد. لکن مقصود اصلی از این استفتائات پیدا کردن راهی برای تغییر ماهوی عقود مشارکت و تبدیل آنها به عقود با بازدهی ثابت بود که این کار را انجام دادند، بطوری که یکی از مسئولین بلند پایه بانک در مورد عقد مضاربه می گوید:

"...در عمل بانکها بدون توجه به نتایج واقعی معامله حداقل سود پیش بینی شده را مطالبه می کنند، و مشتریان نیز می پردازند، عادت مسئولین واحدهای بانک و مشتریان به این روش و نیز مطلوبیت آن برای مشتریان از یک طرف و دریافت وثیقه و تامین کافی از آنها توسط بانک در قبال اعطاء سرمایه از طرف دیگر، هیچگاه طرفین معامله را به طور جدی در موضع انجام صحیح معامله قرار نداده، عملاً اعطای تسهیلات بر مبنای مضاربه را به صورت اعتبار در حساب جاری در آورده است. زیرا مشتریان تحت عنوان مضاربه وجوه را از بانک دریافت کرده و همین وجوه را به علاوه حداقل سود مورد انتظار بانک بازپرداخت می نمایند."^۲

وضعیت عقد مشارکت مدنی از این هم نارساتر است بطوری که همان مقام بلند پایه بانکی در مورد آن می گوید:

"در مشارکت مدنی بانکها عموماً ملاحظه قانونی مربوط به پیش بینی سود را ندیده می گیرند و از همان ابتدا نرخهای مربوط به پیش بینی حداقل سود را بدون توجه به واقعیت و میزان سود محقق، تعیین و محاسبه و از مشتری مطالبه می نمایند.^۳ کما اینکه تحقیقات میدانی^۴ انجام شده در مورد عملکرد بانکها نیز همین مطالب را تایید می کند.

بنابر این می توان ادعا کرد از میان عقود مشارکتی تنها مشارکت حقوقی (که سهمی حدود ۳ تا ۷ درصد از تسهیلات اعطایی بانکها را دارد) ماهیت واقعی را حفظ کرده و بقیه در عمل تبدیل به عقود با بازدهی ثابت گردیده اند.

^۱ - این نامه در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۲۷ نوشته شده است مجموعه سخنرانیها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی ص ۱۳

^۲ - مجموعه سخنرانیها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی ص ۳۵

^۳ - مجموعه سخنرانیها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی ص ۳۶

^۴ - مجموعه سخنرانیها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی ص ۱۰۴

جدول شماره ۳: ترکیب مانده تسهیلات اعطایی بانکها که می توان گفت واقعاً اسلامی شده اند.

درصد

نوع تسهیلات	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
قرض الحسنه	۱۰/۸	۱۰/۸	۱۱/۶	۱۰/۶	۹/۷	۷/۵	۵/۷	۴/۲	۳/۶	۴/۶	۴/۴	۴/۷	۴/۵	۴/۶	۵/۹	۴/۶
مشارکت حقوقی	۳/۶	۷/۳	۶/۶	۷/۱	۷/۱	۵/۸	۴/۶	۴/۸	۵/۲	۴/۸	۳/۶	۲/۷	۳/۸	۴/۷	۳/۱	۲/۷
سرمایه گذاری	۰/۶	۳/۶	۲/۷	۱/۷	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۹	۲/۶	۲/۴	۱/۷	۲/۸	۲/۵	۱/۸	۱/۵
جمع	۱۵	۲۱/۷	۲۰/۹	۱۹/۴	۱۸/۱	۱۴/۶	۱۱/۶	۱۰/۳	۱۰/۷	۱۲	۱۰/۴	۹/۱	۱۱/۱	۱۱/۸	۱۰/۸	۹/۸

ماخذ: استخراج شده از جدول شماره

علل گرایش به سمت بازدهی ثابت (حقیقت نظام بهره)

مباحث گذشته نشان می دهد نظام بانکی با افزایش سهم عقود با بازدهی ثابت و تثبیت بازدهی عقود با بازدهی متغیر و تغییر ماهیت عقود مشارکتی بتدریج به سمت حقیقت بانکداری ربوی گرایش پیدا کرده است، صاحب نظران مسائل پول و بانکداری عوامل متعددی را دخیل می دانند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- فقدان اعتقاد کافی، برای نهادینه شدن هر قانونی احتیاج به مجریان معتقد و دلسوز هست، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی موج اسلامی کردن احکام و قوانین به بخش اقتصاد و بانکها هم کشیده شد لکن به جهت ناشناخته بودن بانکداری اسلامی، از حیث تجربی و نظری، انگیزه ای کافی در مدیران اجرایی در ایجاد تحول به وجود نیامد در نتیجه خیلی از مسئولین خیال می کنند با اجرای صحیح بانکداری بدون ربا سود بانکها کاهش پیدا خواهد کرد و بانکها توان پاسخگویی به سپرده گذاران را نخواهند داشت بنابر این خیلی از مدیران با پذیرش صوری قانون، در قالب آن، نظامی را که باور داشتند و سالیان سال به آن عمل کرده بودند به اجرا گذاشتند. این واقعیت را در تدوین آئین نامه ها و دستور العملهای اجرایی و حتی استفتایی که رئیس کل بانک مرکزی از حضرت امام خمینی (ره) کرده اند مشاهده می کنیم.

۲- فقدان ساختار مناسب، سابقه طولانی سیستم بانکی ایران در نظام ربوی، سازمان، نیروی انسانی متخصص حتی حسابداری متناسب با ماهیت بانکداری ربوی که همانا نقل و انتقال مدیریت وجوه می باشد بوجود آورده است و این در حالی است که برای اجرای قانون بانکداری بدون ربا احتیاج به ساختار دیگری است که بتواند در بازار حقیقی اقتصاد فعال باشد چرا که در این نظام، بانک از یک پدیده ای کاملاً «برون زا» نسبت به اقتصاد حقیقی به یک نهاد «درون زا» و فعال تبدیل می شود در نتیجه نیازمند سازمان، نیروی انسانی و حسابداری متناسب با آن است. در حالی که بعد از تصویب قانون بانکداری بدون ربا کمترین تغییر ساختاری در نظام بانکی بوجود نیامده است.

۳- فقدان آموزش کافی، کار در نظام بهره، روان و آسان است، کارگزار بانک بدون توجه به انگیزه و توان متقاضی همین که اطمینان به بازگشت اصل و فرع وام داشت با گرفتن تضمین کافی وام در اختیار مشتری می گذارد و در سر رسید معین با قطع نظر از موفقیت یا عدم موفقیت گیرنده وام، اصل و فرع پول را وصول می کند در بانکداری بدون ربا نیز عقود با بازدهی ثابت با مختصر تفاوتی چنین هستند در حالی که عقود با بازدهی متغیر خصوصاً عقود مشارکتی اگر صحیح اجرا شوند نیازمند ورود در بازارهای حقیقی است که این امر مستلزم آموزش سطح بالای متصدیان اعطای تسهیلات بانکی است، بعد از تصویب قانون بانکداری بدون ربا اگر چه قدمهای مهمی در برگزاری دوره های آموزشی جهت آموزش قوانین بانکی جدید انجام گرفته و می گیرد لکن در راستای آشنایی کارگزاران بانک با روابط و مناسبات حاکم بر اقتصاد حقیقی اقدامی صورت نگرفته است در نتیجه بانکداران به سمت عقود که بالاترین تخص را در آن دارند تمایل پیدا می کنند.

۴- فقدان اعتماد، اعطای تسهیلات، بر اساس عقود با بازدهی متغیر و مشارکتی نیازمند اعتماد متقابل بانک و مشتری به همدیگر است و این اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که حداقل پیش فرض های زیر در جامعه شکل بگیرد:

الف- در اثر شفاف بودن قیمتها در بازار کالاها و خدمات و بازار عوامل تولید، از یک طرف هزینه های تولید، انبارداری، حمل و نقل، بیمه، تبلیغات و فروش و از طرف دیگر قیمت فروش محصول و بدنبال آن دامنه سود (حداقل و حداکثر سود) صنعت مورد فعالیت مشخص باشد.

ب- در اثر رواج فرهنگ بیمه، هزینه های اتفاقی که در اثر حوادث غیر مترقبه رخ می‌دهند از طریق انواع بیمه پوشش داده شوند.

ج- بانک نیروی متخصص و ابزار لازم برای کنترل و نظارت طرحهای مختلف اقتصادی را داشته باشد بطوری که هر وقت بخواهد (و لو بصورت انتخابی تصادفی) بتواند فعالیت مورد نظر را کنترل و نظارت کند و مشتری از این توانایی با خبر باشد.

د- در مواردی که به دلایل مختلف بین بانک و طرف قرارداد بانک اختلاف پیش می‌آید قانون روشن و محکمه مشخصی برای داوری و اجرای حکم در اسرع وقت وجود داشته باشد.

ه- مسئولین بانک در عمل نشان دهند که ملتزم به تحولات اقتصاد حقیقی بوده و قصد انتقال خسارت به طرف قرارداد بانک ندارد.

۵- فقدان ضمانت اجرا، برای اجرای صحیح قانون و تثبیت آن در جامعه احتیاج به ضمانت اجرا هست به این معنی که باید سیستمی طراحی شود تا عمل کنندگان به آن تشویق و خطاکاران مجازات و تنبیه شوند. در نظام بانکی ایران شاید تنها مسئله ای که مورد توجه و پیگیری قرار نمی‌گیرد میزان انطباق قراردادها با موازین شرع و قانون بانکداری بدون رباست، مخصوصاً با توجه به دولتی بودن بانکها که در آن کارگزاران بانک خود را مصون از هر برخورد شدیدی می‌دانند.

۶- فقدان فرصت آزمون و تجربه، سازمانها و موسسات اقتصادی معمولاً به شکل محدود و ساده بودجود می‌آیند و در طول زمان بتدریج با آزمون و خطا و با بهره گیری از ابداعات و نوآوریها خلاءهای قانونی و اجرایی را پر می‌کنند و همگام با آن توسعه می‌یابند. این فرآیند در بانکداری سنتی کاملاً مشهود است در حالی که در بانکداری بدون ربا به جهت حساسیت موضوع (تحریم اکید ربا) قانون بانکداری بدون ربا با تمام آئین نامه ها و دستورالعملهای اجرایی در کمتر از سه سال تهیه و در سطح عموم بانکها به مرحله اجرا گذاشته شد، روشن است که چنین عملکردی دقت عمل را به شدت پائین می‌آورد.

۷- فقدان سیستم تکمیل و ترمیم، بانکداری سنتی با بیش از چهارصد سال سابقه پیوسته و فراگیر از تجربیات و نظریات صاحب نظران پول و بانکداری استفاده کرده روزبروز فعالیتها، ابزارها و شیوه های جدیدی را بکار می‌گیرد و در عین حال هر سال شاهد ورشکستگی صدها بانک اروپایی و آمریکایی هستیم انتظار می‌رفت بعد از تصویب و اجرای قانون بانکداری بدون ربا کمیته های تخصصی متشکل از فقها، حقوقدانان،

اقتصاددانان مدیران با تجربه بانکها و مشتریان بانکها (بازاریان، کشاورزان، صنعتگران) تشکیل شده فرایند اجرای هر یک از بندهای قانون را با دقت مورد نقد و بررسی قرار داده در اصلاح و تکمیل قانون اقدام کنند در حالی که در نظام بانکی ایران تنها به برگزاری سمیناری تحت عنوان سمینار بانکداری اسلامی بسنده می کنند و بعد از پایان سمینار حتی به مقالات ارائه شده در آن و یافته های علمی آن ترتیب اثر نمی دهند.

میزان موفقیت نظام بانکی در کسب سود مناسب برای سپرده گذاران

یکی از شاخصهای مهم کارایی بانکهای تجاری نرخ پرداختی به سپرده های پس انداز و مدت دار است، در یک موسسه اقتصادی انتظار می رود سهم سرمایه از محصول به میزان بازدهی متوسط سرمایه در آن موسسه باشد و از آنجایی که بانکها طرف معامله با تمام بخشهای اقتصادی هستند و به عنوان سرمایه گذار در آنها بحساب می آیند انتظار می رود سود نظام بانکی متناسب با تولید ناخالص ملی و سود پرداختی به سپرده های ثابت معادل رشد اسمی تولید ناخالص ملی باشد^۱ به عبارت دیگر بانکها علاوه بر جبران کاهش ارزش پول در اثر تورم، بایستی معادل رشد واقعی تولید ناخالص ملی برای سپرده گذاران بهره یا سود واقعی بپردازند و این در حالی است که مطالعه عملکرد ۲۸ ساله نظام بانکی ایران نشان می دهد. بانکهای تجاری جز در موارد اندک، معمولاً نه تنها نتوانسته اند کاهش ارزش سپرده ها در اثر تورم را جبران کنند بلکه برای سپرده گذاران سود واقعی منفی پرداخته اند.

برخلاف تصور عده ای که خیال می کنند این نارسایی و ناکارآمدی زائیده قانون بانکداری بدون رباست، باید اذعان کرد که این مشکل زمانی که نظام بانکی ایران بر اساس نظام بهره اداره می شد نیز وجود داشت. حتی در سالهای اوج شکوفایی نظام بانکی قبل از انقلاب (دهه ۱۳۵۰) در غالب سالها بهره واقعی منفی به سپرده گذاران مدت دار تحویل داده است.

مطابق جدول شماره ۴ نظام بانکی طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۲ (قبل از اجرای قانون بانکداری بدون ربا) بطور متوسط سالانه ۷/۷ درصد برای سپرده های کوتاه مدت و ۶/۰۴ درصد برای سپرده های بلند مدت بهره واقعی منفی (ضرر) می پرداخت، اگر سالهای انقلاب (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲) را نیز کنار بگذاریم می بینیم نظام بانکی در غالب سالها بهره منفی پرداخته است.

^۱ - نظیر این مطلب در کلام برخی مسئولین بانک نیز آمده است مجموعه سخنرانیها و مقالات پنجمین سمینار بانکداری اسلام

جدول شماره ۴: سود پرداختی بانکهای تجاری به سپرده‌ها بعد از بانکداری بدون ربا

سال	نرخ بهره اسمی کوتاه مدت	نرخ بهره ای بلند مدت	نرخ تورم	نرخ بهره واقعی کوتاه مدت	نرخ بهره واقعی بلند مدت
۱۳۵۰	۶/۵	۷/۵	۵/۶	۰/۹	۱/۹
۱۳۵۱	۶/۵	۷/۵	۶/۳	۰/۲	۱/۲
۱۳۵۲	۷	۹	۱۱/۴	-۴/۴	-۲/۴
۱۳۵۳	۷	۹	۱۵/۶	-۸/۶	-۶/۶
۱۳۵۴	۷	۹	۹/۹	-۲/۹	-۰/۹
۱۳۵۵	۷	۹	۱۶/۵	-۹/۵	-۷/۵
۱۳۵۶	۸	۱۰	۲۴/۹	-۱۶/۹	-۱۴/۹
۱۳۵۷	۷	۱۰	۱۰	-۲	۰
۱۳۵۸	۷	۸/۵	۱۱/۳	-۴/۳	-۲/۸
۱۳۵۹	۷	۸/۵	۲۳/۶	-۱۶/۶	-۱۵/۱
۱۳۶۰	۷	۸/۵	۲۳	-۱۶	-۱۴/۵
۱۳۶۱	۷	۸/۵	۱۹/۲	-۱۲/۲	-۱۰/۷
۱۳۶۲	۷	۸/۵	۱۴/۸	-۷/۸	-۶/۳
میانگین	۷/۰۷	۸/۷۳	۱۴/۷۷	-۷/۷	-۶/۰۴

ماخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سالهای مختلف

مطابق جدول شماره ۴ نظام بانکی طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۲ (قبل از اجرای قانون بانکداری بدون ربا) بطور متوسط سالانه ۷/۷ درصد برای سپرده های کوتاه مدت و ۶/۰۴ درصد برای سپرده های بلند مدت بهره واقعی منفی (ضرر) می پرداخت. اگر سالهای انقلاب (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲) را نیز کنار بگذاریم می بینیم نظام بانکی در غالب سالها بهره منفی پرداخته است.

جدول شماره ۵: سود پرداختی بانکهای تجاری به سپرده‌ها بعد از بانکداری بدون ربا

سال	نرخ سود اسمی کوتاه مدت	نرخ سود اسمی بلند مدت	نرخ تورم	نرخ سود واقعی کوتاه مدت	نرخ سود واقعی بلند مدت
۱۳۶۳	۷/۲	۹	۱۰/۴	-۳/۲	-۱/۴
۱۳۶۴	۶	۸	۶/۹	-۰/۹	۱/۱
۱۳۶۵	۶	۸/۵	۲۳/۷	-۱۷/۷	-۱۵/۲
۱۳۶۶	۶	۸/۵	۲۷/۷	-۲۱/۷	-۱۹/۲
۱۳۶۷	۶	۸/۵	۲۸/۹	-۲۲/۹	-۲۰/۴
۱۳۶۸	۶	۸/۵	۱۷/۴	-۱۱/۴	-۸/۹
۱۳۶۹	۶/۵	۱۳	۹	-۲/۵	۴
۱۳۷۰	۶/۵	۱۴	۲۰/۷	-۱۴/۲	-۶/۷
۱۳۷۱	۷/۵	۱۵	۲۴/۴	-۱۶/۹	-۹/۴
۱۳۷۲	۸	۱۶	۲۲/۹	-۱۴/۹	-۶/۹
۱۳۷۳	۸	۱۶	۳۵/۲	-۲۷/۲	-۱۹/۸
۱۳۷۴	۸	۱۸/۵	۴۹/۴	-۴۱/۴	-۳۰/۹
۱۳۷۵	۸	۱۸/۵	۲۳	-۱۵	-۴/۵
۱۳۷۶	۸	۱۸/۵	۱۷/۳	-۹/۳	۱/۲
۱۳۷۷	۸	۱۸/۵	۲۰	-۱۲	-۱/۵
۱۳۷۸	۸	۱۸/۵	۲۰/۴	-۱۲/۴	-۱/۹
۱۳۷۹	۸	۱۸/۵	۱۲/۶	-۴/۶	۵/۹
میانگین	۷/۱۶	۱۴/۲۶	۲۱/۷۶	-۱۴/۶	-۷/۵

مأخذ: استخراج شده از گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سالهای مختلف

چنانچه مشاهده می شود بعد از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا نیز نظام بانکی در اکثر سالها سود منفی (ضرر) پرداخت کرده و میانگین این سود منفی برای سپرده های کوتاه مدت و بلند مدت به ترتیب ۷/۵ و ۱۴/۶ درصد می باشد و در مجموع می توان این نتیجه را گرفت که نظام بانکی چه قبل از بانکداری بدون ربا و چه بعد از آن از جهت معیار سوددهی ناکارآمد بوده است. پایین بودن سود سپرده های بانکی خصوصا" نسبت به تورم پی آمدهای نامطلوبی برای کل اقتصاد به بار می آورد که موارد زیر از آنهاست:

- ۱- اگر سود سپرده های بانکی نسبت به نرخهای بهره جهانی خیلی پایین باشد اسباب فرار سرمایه های نقدی خصوصا" مبالغ بزرگ را فراهم می آورد چرا که بانکهای تجاری کشورهای غربی معمولا" بین ۳ تا ۷ درصد، بهره واقعی پرداخت می کنند.
- ۲- در چنین شرایطی معمولا" بخش قابل توجهی از پس اندازها به سمت بازارهای غیر رسمی پول و سرمایه کشیده شده با نرخهای بالایی قرض داده می شوند که آثار سوء اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد.

۳- در این شرایط افراد ترجیح می دهند پس اندازهای خود را به شکل دارایی های فیزیکی چون ارز، طلا، زمین، مستغلات و کالاهای بادوام نگهداری کنند که این امر علاوه بر تشدید پدیده احتکار و بورس بازی موجب خروج بخش زیادی از سرمایه ها از فرایند تولید می شود کما اینکه با تشدید تقاضای کاذب باعث افزایش مجدد قیمتها و بالا رفتن نرخ تورم می گردد.

علل پایین بودن سود سپرده ها

مهمتر از مسئله آثار و پی آمدها بررسی علل این پدیده است. یکی از مباحثی که بطور معمول در سمینارهای بانکداری اسلامی و سیاستهای پولی و ارزی مورد توجه صاحب نظران بوده همین مسئله است. از مطالعه آنها و بررسی عملکرد بانکداری ایران می توان عوامل زیر را مطرح کرد.

۱- حاکمیت حقیقت نظام بهره

در نظام بهره، یکی از اقلام هزینه تولید کالاها و خدمات، نرخ بهره وامها و اعتبارات بانکی است و این نظریه تقریباً مورد قبول همه است که در شرایط تورمی هر نوع افزایشی در بهره های بانکی (بهره وامها و اعتبارات) موجب افزایش تورم خواهد بود در نتیجه در کشورهای در حال توسعه معمولاً یکی از ابزارهای تثبیت قیمتها و کنترل تورم را هدایت نرخهای بهره بانکی می دانند. در ایران نیز چه زمانی که سیستم بانکی ربوی بود و چه اکنون که بانکداری بدون ربا می باشد جهت تثبیت قیمتها و کنترل تورم نرخهای دریافتی و پرداختی بانکها بصورت برون زا از عملکرد اقتصاد واقعی توسط شورای پول و اعتبار اعلان و به اجرا گذاشته می شود. این در حالی است که اگر حقیقتاً به بانکداری بدون ربا عمل می شد و به جای بکارگیری عقود با بازدهی ثابت که حقیقت نظام بهره را دارند از عقود مشارکتی استفاده می شد بانکها می توانستند سودی بالاتر از نرخ تورم به سپرده گذاران بپردازند بدون اینکه در بالا رفتن قیمتها تاثیر داشته باشند. چرا که در عقود مشارکتی بانک (به عنوان تامین کننده بخشی از سرمایه) شریک تولید کننده بود، سود ثابت و معینی مطالبه نمی کند در نتیجه عامل سرمایه سهمی در هزینه تولید ندارد بلکه وی همانند صاحبکار اقتصادی منتظر پایان دوره مالی و بدست آوردن سود بنگاه است تا سهمی از آن را ببرد بنابراین تامین سرمایه از طریق مشارکت نه تنها موجب افزایش قیمت محصول نمی گردد بلکه انتظار آن می رود که با حذف یکی از اقلام هزینه تولید سطح عمومی قیمتها کاهش یابد یا از نرخ رشد آن کاسته شود در عین حال از آنجایی که در عقود مشارکتی، منابع بانک (سپرده های مردم) تبدیل به دارایی های حقیقی چون زمین، ساختمان، ماشین آلات، مواد اولیه و محصولات ساخته شده و نیمه تمام می شود انتظار می رود ارزش اسمی این دارایی ها و

بدنبال آن ارزش منابع بانک متناسب با تورم افزایش پیدا کند در نتیجه بانک بتواند سودی بالاتر از نرخ تورم بدست آورده برای سپرده گذاران اعطا کند.^۱

۲- عدم ثبات کافی در منابع بانکی

یکی از شرایط ضروری برای کارآمدی بانکها ثبات کافی منابع است تا مدیران با اطمینان خاطر سپرده های بانکی را در پروژه های با سوددهی بالا که عمدتاً "بلند مدت هستند بکار گیرند. نظام بانکی ایران اگر چه از سال ۱۳۶۹ با طراحی انواع سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت دو ساله، سه ساله و پنج ساله و اعطای سود بیشتری به آنها در مقایسه با سپرده های کوتاه مدت و یکساله توانست ثبات بیشتری برای منابع بانکهای تجاری به ارمغان آورد لکن هنوز قدمهای دیگری چون طراحی سپرده های انتقال پذیر لازم است تا ثبات کافی بدست آید. در آن صورت اولاً "بخشی از سپرده های سرمایه گذاری (حدود ۱۵٪)^۲ که به عنوان ذخایر قانونی در بانک مرکزی نگهداری می شوند آزاد شده، بازدهی بانکها افزایش می یابد. ثانیاً مدیران با اطمینان خاطر بیشتری به سرمایه گذاری در طرحهای بلند مدت می پردازند.

۳- دولتی بودن نظام بانکی

یکی از عوامل ناکارآمدی بانکهای تجاری، دولتی بودن آنها قلمداد می شود. در خرداد ماه ۱۳۵۸ با تصویب شورای انقلاب، مالکیت بانکها از بخش خصوصی سلب و به دولت واگذار گردید و همزمان با آن بانک های کشور ادغام و به صورت شش بانک تجاری عمومی و سه بانک تخصصی درآمدند و روش کار به این قرار است که سپرده های مردم در مصارف مختلف به منظور کسب سود، سرمایه گذاری می شود. در پایان سال مالی مجمع عمومی بانکها با ملاحظه تراز سالانه و عملکرد بانکهای کشور سود حاصل از کل فعالیتهای بانکی در حقیقت میانگین موزون سود همه بانکهاست را بدست آورده، بین سپرده گذاران توزیع می کند. به عبارت روشتر در مسئله توزیع سود همه بانکها اعم از عمومی و تخصصی به منزله شعبات یک بانک واحد محسوب شده سود کل برای آنها سرشکن می شود بدیهی است که این روش در بلند مدت نه تنها انگیزه رقابت را از بین می برد لکه روحیه کرا و تلاش جدی را نیز کمرنگ می کند زیرا این روش نه به نفع بانکهایی است که در حصول آن سود، بیشترین تلاش را مبذول داشته اند و نه به نفع سپرده گذارانی است که بانک بخصوصی را برای سپرده گذاری خود برگزیده اند.

^۱ - برای توضیح بیشتر مراجعه شود به پس انداز و سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی موسویان ص ۱۲۰-۱۰۶، سخنرانی دکتر نمازی مجموعه سخنرانها و مقالات هشتمین سیمینار بانکداری اسلامی ص ۱۵ به بعد

^۲ - سیاست های پولی منابع کمیجانی ص ۹

۴- وجود تسهیلات تکلیفی

به اعتقاد خیلی از کارگزاران نظام بانکی یکی از عوامل پایین بودن سطح سوددهی بانکها وجود تسهیلات تکلیفی است برای مثال یکی از محققین پولی و بانکی در این باره می گوید:

" پایین بودن سطح سود دهی بانکها بدون شک معمول لاقبل دو عامل مهم است: اول اعتبارات تکلیفی که هر بانکی را مکلف می کند مبالغ زیادی از سپرده های مردم را با نرخهای سود پایین تر از نرخ تورم در اختیار افراد و موسسات دولتی مشخصی قرار دهد، دوم تعیین نرخ سود تسهیلات و اعتبار بصورت اداری و توسط دولت^۱."

و محقق دیگری می گوید:

"یکی از مشکلات سیستم بانکی تسهیلات تکلیفی است، تسهیلات تکلیفی تمام مانورهای مدیریت بانکها در ارتباط با اعمال ضوابط و موازین و معیارها برای کسب سود را مخدوش می کند"^۲.

تسهیلات تکلیفی که بصورت قانون بودجه هر ساله به تصویب نمایندگان مجلس می رسد نظام بانکی را موظف می کند جهت حمایت از اقشار آسیب پذیر یا موسساتی که بدلالی نیاز به حمایت دارند مبالغی تسهیلات با لحاظ سودی پایین تر در اختیار آنان قراردهد. بانک مرکزی و نظام بانکی در مواجهه با این مسئله دو تا مسئولیت اساسی دارد از طرفی به عنوان یکی از نهادهای مهم اقتصادی وظیفه دارد در تحقق اهداف و سیاستهای کلی نظام تلاش کند از طرف دیگر به عنوان امین وکیل سپرده گذاران مسئولیت دارد سرمایه آنان را در بخشهایی که سود مناسبی برای آنها به همراه دارد بکار گیرد و این دو با هم در تعارض قرار می گیرند، به نظر می رسد برای جمع بین این دو مسئولیت لازم است نکات زیر مورد توجه قرار گیرد.

از آنجایی که مسئولیت مستقیم حمایت از اقشار و بخشهای مورد نظر ابتداءً به عهده دولت اسلامی است بنابراین بایستی اولاً " دولت بازگشت منابع را تضمین کند تا در صورت پیش آمد مخاطرات، آنها را بازپرداخت کند. ثانياً " اگر میزان سوددهی این طرحها کمتر از متوسط سود بانکها بود پرداخت مابه التفاوت آن را به عهده گیرد. ثالثاً " در صد تسهیلات تکلیفی را نسبت به کل تسهیلات اعطایی مشخص کند تا بانکها بتوانند با برنامه ریزی مشخص به بخشهای دیگر تسهیلات دهند.

میزان موفقیت نظام بانکی در جذب سپرده های بانکی

معیار دیگر برای ارزیابی کارایی بانکها، رشد سپرده های بانکی است، فعال بودن بانکها در جذب هر چه بیشتر پس اندازهای کوچک، کوتاه مدت و بلند مدت مردم نقش مهمی در توسعه اقتصادی جوامع دارد و انتظار می رود یک نظام بانکی بطور پیوسته با رشد مثبت و قابل توجه سپرده ها مواجه باشد، علاوه بر نرخ سود سپرده ها که نقش اصلی در استقبال مردم از سپرده گذاری دارد عوامل دیگری چون " تطابق عملیات

^۱ -مجموعه سخنرانیها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی ص ۲۶۵

^۲ -مجموعه سخنرانیها و مقالات چهارمین سمینار بانکداری اسلامی ص ۱۶۹

بانکی با ارزشها و اعتقادات پذیرفته شده مردم، " اعتماد و اطمینان به عملکرد بانکها"، " سرعت عمل بانکها در ماموریت‌های محوله" و " برخورد شایسته با مشتریان" نیز تاثیر زیادی در جذب پس اندازها دارد، مطالعه ستون دوم جدول شماره ۶ نشان می دهد غیر از سال ۱۳۵۷ که به جهت انقلاب تعدادی از سپرده گذاران پس اندازهای خود را از بانکها خارج کردند، بقیه سالها جریان سپرده گذاری از رشد مثبت برخوردار بوده است لکن توجه به ستون سوم جدول روشن می کند که رشد مذکور عمدتاً ناشی از افزایش حجم پول می باشد برای این منظور با مقداری تسامح از شاخص دیگری بنام رشد واقعی سپرده ها که در ستون چهارم نشان داده شده استفاده کردیم.

رشد حجم پول - رشد اسمی سپرده ها = رشد واقعی سپرده ها

جدول شماره ۶: رشد اسمی و واقعی سپرده های بانکی

سال	رشد اسمی سپرده های بانکی	رشد حجم پول	رشد واقعی سپرده های بانکی
۱۳۵۱	۳۴/۹	۳۵/۶	-۰/۷
۱۳۵۲	۲۸/۹	۲۷/۷	+۱/۲
۱۳۵۳	۵۸/۷	۶۱/۴	-۳/۷
۱۳۵۴	۴۱/۲	۳۶/۵	+۴/۷
۱۳۵۵	۳۸/۳	۳۶/۶	+۱/۴
۱۳۵۶	۳۲/۷	۲۹/۳	+۳/۴
۱۳۵۷	-۰/۳	۵۶/۴	-۵۶/۷
۱۳۵۸	۴۷/۶	۳۴/۷	+۱۲/۹
۱۳۵۹	۱۶/۷	۲۳/۳	-۱۶/۴
۱۳۶۰	۱۹	۲۲/۹	-۳/۹
۱۳۶۱	۲۷/۳	۲۸/۷	-۱/۴
۱۳۶۲	۱۶/۱	۱۱/۱	+۵
۱۳۶۳	۷/۵	۱۷/۸	-۱۰/۳
۱۳۶۴	۱۶/۲	۸	+۸/۲
۱۳۶۵	۲۰	۱۸	+۲
۱۳۶۶	۲۱/۴	۱۶/۶	+۴/۸
۱۳۶۷	۲۶/۳	۱۴/۵	+۱۱/۸
۱۳۶۸	۲۳/۴	۱۵/۸	+۷/۶
۱۳۶۹	۲۴/۸	۲۴/۶	+۰/۲
۱۳۷۰	۲۷/۶	۲۱/۸	+۵/۸
۱۳۷۱	۲۶/۹	۲۰	+۶/۹
۱۳۷۲	۳۵/۴	۳۶/۹	-۱/۵
۱۳۷۳	۲۸/۷	۳۵/۸	-۷/۱
۱۳۷۴	۴۰	۳۴/۶	+۵/۴

ماخذ: استخراج شده از مجموعه آماری سری زمانی آمارهای اقتصادی اجتماعی

بررسی شاخص جدید نتایج قابل تاملی را در پی دارد که بصورت خلاصه چنین است:

- ۱- بین سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ که دوران شکوفایی نظام بانکی قبل از انقلاب بحساب می آید رشد واقعی سپرده های بانکی بطور متوسط سالانه حدود یک درصد است.
- ۲- بین سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۲ که نظام بانکی بر اساس سیستم بهره عمل می کرد رشد واقعی سپرده ها بطور متوسط ۵/۶- درصد بوده است.
- ۳- بین سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ رشد واقعی سپرده ها ۴/۲- درصد بوده است.

۴- بین سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۴ بعد از اجرای قانون بانکداری بدون ربا رشد واقعی سپرده های بانکی بطور متوسط سالانه ۲/۸ درصد بوده است.

۵- بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴ رشد واقعی سپرده ها حدود ۳/۶ درصد بوده است. در تحلیل نتایج فوق می توان گفت، اولاً" به جهت عدم تطابق فرهنگی و اعتقادی بین مردم و نظام بانکی استقبال مردم از سپرده گذاری در بانکها طی سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ خیلی کم است. ثانیاً" ، اگر از سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ صرفنظر کنیم که جریان سپرده گذاری حالت طبیعی نداشت بین سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ به جهت بالا رفتن باورهای دینی مردم و احساس تضاد ارزشی بین خود و نظام بانکی سپرده گذاری رشد منفی معناداری پیدا می کند ثالثاً" با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا خصوصاً" بعد از گذشت دو سال از تجربه آن به جهت تطابق نسبی بین سیستم بانکی و باورهای مردم، استقبال نسبتاً" خوبی از سپرده گذاری مشاهده می شود بطوری که بعد از سال ۱۳۶۵ و استقرار نسبی نظام بانکداری بدون ربا بطور متوسط سالانه با رشد واقعی ۳/۶ درصدی سپرده های بانکی مواجه هستیم. و در مجموع می توان گفت مردم از بانکداری بدون ربا استقبال بیشتری کرده اند.

میزان موفقیت نظام بانکی در تخصیص بهینه منابع

برای ارزیابی میزان کارایی بانکها از جهت تخصیص منابع معیارهای متعددی وجود دارد. یکی از مهمترین معیارها کیفیت توزیع منابع بین بخشهای مهم اقتصادی است جدول شماره ۷ و ۸ کیفیت توزیع منابع بانک بین بخشهای بازرگانی و خدمات، کشاورزی، صنعت و معدن و ساختمان را طی سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ۱۳۷۸ نشان می دهد.

جدول شماره ۷: سهم بخش های مختلف اقتصادی از اعتبارات بانکی قبل از انقلاب درصد

بخش سال	بازرگانی و خدمات	کشاورزی	صنعت و معدن	ساختمان و مسکن
۱۳۵۲	۴۴/۴	۷/۵	۱۸/۳	۱۲/۹
۱۳۵۳	۴۳/۴	۸/۸	۲۰/۳	۱۲/۸
۱۳۵۴	۴۰/۴	۸/۵	۲۲/۳	۱۴/۴
۱۳۵۵	۳۴/۹	۸/۴	۲۳/۸	۱۷/۵
۱۳۵۶	۳۴/۴	۹/۱	۲۳/۴	۱۵/۹
۱۶۵۷	۳۹/۷	۹/۲	۲۳/۷	۲۲
میانگین	۳۹/۵	۸/۶	۲۲	۱۶/۱

ماخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه سال های مختلف بانک مرکزی ایران

مطابق جدول فوق طی سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ بخش بازرگانی و خدمات با میانگین ۳۹/۵ درصد در اولویت اول، صنعت و معدن با میانگین ۲۲ درصد در مقام دوم، ساختمان و مسکن با ۱۶/۱ درصد در مقام سوم و کشاورزی با ۸/۶ درصد در مقام چهارم قرار دارند، روشن است که چنین توزیعی نه تنها به استقلال و توسعه درون زای اقتصادی کمک نکرد، بلکه زمینه ساز مهاجرت کشاورزان و رشد شغل های کاذب خدماتی و واسطه گری و وابستگی در زمینه های مختلف به ویژه محصولات کشاورزی بوده است.

جدول شماره ۸: سهم بخش های مختلف اقتصادی از تسهیلات بانکی درصد

سال	بازرگانی و خدمات	کشاورزی	صنعت و معدن	ساختمان و مسکن
۱۳۶۳	۱۴/۸	۱۰/۸	۲۰/۶	۳۰/۱
۱۳۶۴	۱۸/۸	۱۱/۹	۱۹/۳	۲۸/۹
۱۳۶۵	۱۶	۱۱/۷	۱۸/۸	۳۱/۱
۱۳۶۶	۱۳/۷	۱۴/۲	۱۶/۹	۳۴/۳
۱۳۶۷	۱۰/۶	۱۶/۳	۱۸/۹	۳۴/۱
۱۳۶۸	۲۰/۳	۱۷/۴	۲۰/۹	۳۳/۲
۱۳۶۹	۱۹/۶	۱۶/۴	۲۲/۷	۳۱
۱۳۷۰	۱۷/۲	۱۶/۱	۲۶/۹	۳۰/۵
۱۳۷۱	۱۳/۸	۱۷/۲	۴۵	۲۴
۱۳۷۲	۱۷/۴	۱۶/۸	۳۵/۲	۳۰/۶
۱۳۷۳	۱۷/۲	۱۷	۳۳/۴	۳۲/۴
۱۳۷۴	۱۲/۶	۲۳/۲	۲۸/۹	۳۵/۲
۱۳۷۵	۱۹/۱	۱۹/۹	۴۰/۵	۲۰/۵
۱۳۷۶	۱۲/۵	۲۵	۳۳/۵	۲۹
میانگین	۱۶	۱۶/۷	۲۷/۳	۳۰/۴

ماخذ: گزارش اقتصادی و تراز نامه سالهای مختلف بانک مرکزی ایران

مطالعه جدول شماره ۸ نشان می دهد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام بانکداری بدون ربا توجه عمده سیاست گذاران بانکی به بخش های تولیدی (صنعت، کشاورزی، مسکن) معطوف گشته و بنگاه های شاغل در این بخش ها سهم قابل توجهی از منابع بانکی را به خود اختصاص داده اند. اگر میانگین سهم هر یک از بخش ها را با سهم آنها قبل از پیروزی انقلاب مقایسه کنیم، می بینیم بخش بازرگانی و خدمات که قبل از انقلاب با میانگین ۳۹/۵ درصد سهم اعتباراتی در اولویت اول قرار داشت، بعد از اجرای عملیات

بانکداری بدون ربا با میانگین ۱۶ درصد در اولویت چهارم قرار گرفته است و بخش کشاورزی که با ۸/۶ درصد در ردیف چهارم بود، اکنون با میانگین ۱۶/۷ درصد در اولویت سوم قرار گرفته و سهم آن از تسهیلات بانکی تقریباً دو برابر شده است. همچنین حمایت از بخش ساختمان و مسکن موجب شده است که سهم این بخش، از میانگین ۱۶/۱ درصد در قبل از انقلاب، به ۳۰/۴ درصد رسیده و اولویت اول توزیع منابع بانکی را دارا است.

این در حالی است که از جهت سود دریافتی بانکها نیز بخش های اولویت دار مورد توجه بوده است. نرخ های سود تسهیلات اعطایی بانکها به بخش های مختلف- مندرج در جدول شماره ۹- نشان می دهد که سیاست حمایتی نظام بانکی از بخش های اولویت دار کاملاً مشخص است.

جدول شماره ۹: نرخ های سود تسهیلات اعطایی بانکها به بخش های مختلف اقتصادی درصد

سال	۱۳۶۳-۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴-۷۵
بخش های اقتصادی	۴-۸	۶-۹	۶-۹	۹	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۳-۱۶
بخش کشاورزی	۶-۱۲	۱۱-۱۳	۹-۱۳	۱۳	۱۶-۱۸	۱۶-۱۸	۱۷-۱۹
بخش صنعت و معدن	۸-۱۲	۱۲-۱۴	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۲-۱۶	۱۵	۱۵-۱۶
بخش ساختمان و مسکن	۸-۱۲	۱۷-۱۹	۱۸ و بالاتر	۱۸ و بالاتر	۱۸-۲۴	۱۸-۲۴	۲۲-۲۵
بخش بازرگان و خدمات	۸-۱۲	۱۷-۱۹	۱۸ و بالاتر	۱۸ و بالاتر	۱۸	۱۸	۱۸
بخش صادرات	۸-۱۲	۱۷-۱۹	۱۸ و بالاتر	۱۸ و بالاتر	۱۸	۱۸	۱۸

ماخذ: گزارش اقتصادی و تراز نامه سالهای مختلف بانک مرکزی ایران

جمع بندی نتایج

در یک جمع بندی کلی می توان گفت نظام بانکداری بدون ربا در ایران، در زمینه تجهیز منابع و جذب سپرده های بانکی تا حدود بسیاری توانسته است اعتماد مردم را جلب کند، به طوری که سپرده های بانکی سالانه به طور متوسط با رشدی برابر ۳/۶ درصد مواجه بوده است. در زمینه توزیع بهینه منابع بانکی بین بخش های مهم اقتصادی نیز صحیح عمل کرده و به سمت حمایت از بخش های تولیدی حرکت نموده است، هر چند در سوددهی هنوز راه بسیاری در پیش دارد، به طوری که نمی تواند ارزش واقعی سپرده های بانکی - حتی سپرده گذاران سرمایه گذاری بلند مدت پنج ساله- را حفظ کند، کما این که در اجتناب از حقیقت نظام بهره هنوز چندان موفق نیست و بخش معظمی از معاملات بانکی به ویژه در قسمت اعطای تسهیلات شبهه ربا دارند و در موارد زیادی صوری و ساختگی اند.

